

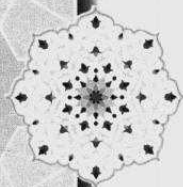
www.kitab.ir

# اصول فقه

کاربردی







نشر

## اصول فقه کاربردی

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

مؤلف: مصطفی ابراهیم زلمی

ترجمه: احمد نعمتی

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: مهارت

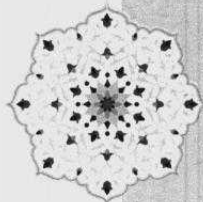
نوبت چاپ: دوم - ۱۴۰۳

شمارگان: ۲۵۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۰۸۲-۶

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران،  
پاساژ فروزنده، شماره ۴۰۶. تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴

[www.nashrehsan.com](http://www.nashrehsan.com)



اصول فقه کاربردی



۱۰۱۳۴۵ ریبیل ۴۵۰۰۰۰۰۰

## فهرست

۲۵	.....	مقدمه مترجم
۲۸	.....	نکاتی در رابطه با ترجمه کتاب
۳۱	.....	رونمایی از کتاب
۳۲	.....	آشنایی با مدارج نویسنده‌ی کتاب
۳۵	.....	انگیزه‌ی تألیف کتاب
۳۷	.....	مقدمه چاپ بیست و چهارم کتاب عربی
۴۱	.....	مقدمه‌ی مؤلف
۴۱	.....	تعریف اصول فقه
۴۲	.....	تحلیل و یا تجزیه تعریف
۴۳	.....	شیوه‌ی کمک‌گیری از قواعد اصول در استنباط احکام
۴۴	.....	پیدایش و تدوین علم اصول فقه
۴۵	.....	مهم‌ترین شیوه‌های اصولیان در مؤلفاتشان بر سه گونه است:
۴۸	.....	اهمیت علم اصول فقه و ارتباط آن با قانون:
۵۰	.....	وضع، دلالت و اقسام آن
۵۲	.....	اقسام دلالت لفظی وضعی، از جهت معنا:
۵۳	.....	کل و جزء، کلی و جزئی:
۵۳	.....	جنس، نوع و صنف:
۵۴	.....	نسبت بین (میان) مفاهیم مصطلحات:
۵۶	.....	تعارض و تناقض:

۵۱۹	مطلب دوّم
۵۱۹	مشترک معنوی
۵۲۰	تأثیر مشترک معنوی بر پیچیدگی نصوص
۵۲۰	موضع قانون در برابر قتل مانع از ارث
۵۲۳	مبحث چهارم
۵۲۳	حقیقت و مجاز
۵۲۴	اقسام حقیقت و مجاز
۵۲۵	ثمره‌ی این تقسیم
۵۲۶	احکام حقیقت
۵۲۷	احکام مجاز
۵۳۰	صریح و کنایه
۵۳۰	صریح
۵۳۱	حکم صریح
۵۳۱	کنایه
۵۳۲	حکم کنایه
۵۳۲	نتیجه
۵۳۲	ثمره‌ی این تقسیم
۵۳۵	فصل دوم
۵۳۵	دلالت نصوص از جهت منطوق و مفهوم
۵۳۶	منطوق
۵۳۷	دلالت مفهوم
۵۴۱	مبحث اوّل
۵۴۱	منطوق نصوص
۵۴۳	مطلب اوّل
۵۴۳	اشاره‌ی نصّ و تطبیقات آن
۵۵۱	مطلب دوّم
۵۵۱	دلالت اقتضاء و تطبیقات آن
۵۵۵	مطلب سوّم
۵۵۵	دلالت ایما و تطبیقات آن

۵۵۷	اهمیت دریافت علت حکم برای قضات،
۵۶۱	مبحث دوم
۵۶۱	مفهوم نص
۵۶۳	مطلب اول
۵۶۳	مفهوم موافق
۵۶۵	چگونگی دلالت مفهوم
۵۶۷	ثمره‌ی این اختلاف
۵۶۹	مطلب دوم
۵۶۹	مفهوم مخالف
۵۶۹	اساس مفهوم مخالف
۵۷۰	قیود معتبر در حکم
۵۷۱	مهم‌ترین انواع مفهوم مخالف
۵۷۵	شروط عمل به مفهوم مخالف
۵۷۷	حجیت مفهوم مخالف
۵۷۹	ارزیابی و ترجیح در این اختلاف
۵۸۱	فصل سوم
۵۸۱	تقسیم الفاظ نصوص به اعتبار وضوح و خفاء در دلالت
۵۸۲	تقسیم چهارگانه‌ی «حنفیه»
۵۸۶	تقسیم دوگانه
۵۸۷	شیوه برگزیده در این تقسیم‌بندی
۵۸۹	مبحث اول
۵۸۹	دلالت قطعی
۵۹۲	قطعی ذاتی و قطعی عرضی
۵۹۲	نمونه‌هایی از نصوص شرعی که دلالت قطعی ذاتی بر احکام دارند
۵۹۳	نمونه‌هایی از نصوص که دلالت قطعی عرضی، بر معنای مقصود دارند
۵۹۵	رابطه‌ی دلالت قطعی با دو تقسیم چهارگانه و دوگانه
۵۹۵	دلالت قطعی و اجتهاد
۵۹۵	تقسیم قطعی از جهت ثبوت و اثبات به بدیهی و نظری
۵۹۹	مبحث دوم

۵۹۹	..... دلالت ظنی
۶۰۰	..... ظنی بودن دلالت‌های نصوص و اختلاف در احکام آنها
۶۰۲	..... ظنی بودن دلالت نصّ و تأویل
۶۰۳	..... تأویل قریب و تأویل بعید
۶۰۴	..... تأویل و زمینه‌ی تطبیق نصّ
۶۰۸	..... شروط تأویل
۶۰۹	..... انواع تأویل
۶۱۱	..... تأویل و تفسیر
۶۱۳	..... مبحث سوّم
۶۱۳	..... دلالت غامض
۶۱۳	..... غامض
۶۱۴	..... اسباب غموض
۶۲۲	..... تعریف تعارض
۶۲۳	..... زمینه‌ی تعارض
۶۲۳	..... چرا تعارض باعث غموض می‌شود؟
۶۲۳	..... شیوه‌های رفع تعارض و ارائه‌ی غموض
۶۲۶	..... الغای نسخ صریح و الغای ضمنی
۶۲۶	..... وسائل ازاله‌ی غموض
۶۲۸	..... تعارض
۶۲۹	..... مبحث اوّل، نسخ
۶۲۹	..... ارکان نسخ
۶۳۲	..... مبحث دوم، ترجیح
۶۳۷	..... تکمله در باب اجتهاد و تقلید
۶۳۷	..... اجتهاد
۶۳۷	..... شروط، اهمّیت، حکم و شیوه‌ی رویکرد به آن
۶۳۷	..... شرایط اجتهاد
۶۴۰	..... اقسام مجتهد
۶۴۰	..... ارکان اجتهاد
۶۴۱	..... شرایط اجتهاد

۶۴۵	.....	مبحث سوم، شروط تکمیلی اجتهاد
۶۴۵	.....	اهمیت اجتهاد به صورت عام
۶۴۶	.....	شیوه‌ی رویکرد به اجتهاد
۶۴۸	.....	حکم اجتهاد
۶۴۹	.....	مبحث اول، حکم اجتهاد از لحاظ وصف شرعی
۶۴۹	.....	مبحث دوم، اجتهاد به لحاظ اثری که از اجتهاد حاصل می‌شود
۶۵۰	.....	مخطئه و مصوبه
۶۵۳	.....	تقلید
۶۵۳	.....	اسباب، اهمیت و خطر آن
۶۵۳	.....	عوامل رواج تقلید بعد از عصر نهضت فقهی
۶۵۵	.....	اهمیت تقلید
۶۵۵	.....	خطرات ناشی از تقلید
۶۵۷	.....	فهرست منابع و مآخذ



## مقدمه مترجم

سپاس خدایی را که با تفقه و اجتهاد در مقاصد شریعت، چگونه زیستن را به ما آموخت و درود و سلام بر خاتم پیامبران که مشعل فروزان هدایت را فراراه ما برافروخت، و درود بر آل و یاراننش، بر مجتهدان غیر و فقیهان مجاهد که با تلاش و کوشش در دین، احکام شریعت را از سرچشمه‌ی پاک نبوی، استخراج و میراث بزرگ فقه و حقوق اسلامی را هماهنگ با مقتضیات زمان و پیشرفت تمدن به جامعه‌ی بشری عرضه نمودند که تا جهان بریاست، در هر دیاری که ثقافتی پای گیرد، از دوحه‌ی آن درخت پر بار شریعت پیوند خورده و از سرچشمه‌ی فیاض آن سیراب گشته است.

دانشمندان اسلامی از دیرباز به وجود اجتهاد و مجتهدان در هر عصر و زمانی تأکید فراوان داشته‌اند، زیرا که در مواجهه با مشکلات و پرسش‌های نو جز با احیای سازوکار اجتهاد نمی‌توان به نیرومند کردن شریعت دل بست. واضح است شریعت الهی که از جانب خداوند عظیم و حکیم صادر شده، امری ثابت بوده و محتاج بازسازی نیست، لکن این فهم و ادراک ما از شریعت است که مدام نیاز به احیا و بازسازی دارد، چراکه پرسش‌های هر عصری فرزند و زاینده‌ی آن عصرند و قبل از بلوغ علمی زمانه، پاسخ آن پرسش‌ها بر خاطر کسی عبور نخواهد کرد.

اصول فقه پویاخواهان این است که ما از قفس تنگ تقلید یا بیرون نهیم و آراء و نظرات گذشتگان را از نظرگاه نقد بنگریم. امروز ما نیازمند عناصر و اصولی هستیم که بتواند زندگی ما را پیوسته الهی کند و به قضایای جدید و مسائل روز پاسخگو باشد.

## ۷- موضوع شناسی

## ۸- غنی کردن دستگاه اجتهاد

اگرچه اصول استنباط اجتهاد و سیستم افتاء قرن‌ها پس از سقوط بغداد و عصر ممالیک بر اثر سیاست‌های حاکم و یا بعضی از مصالح خیرخواهانه تا حدودی دچار رکود گردید و سالیان متمادی غیر از فتوای ائمه‌ی اربعه، چندان به کندوکاو در مسائل فقهی پرداخته نمی‌شد، ولی گذشت زمان و عوامل تغییر فتوا چنان وضع را نامیمون بل ناممکن گردانید که توقف به سدّ باب اجتهاد را فاجعه و توطئه‌ی علیه اسلام و شریعت تلقی نمودند. با نگاه به تاریخ می‌یابیم که فرهیختگانی همچون امام محمد غزالی، شاطبی، شهرستانی، ابن تیمیه، نووی، عزین عبدالسلام، شوکانی، دهلوی، عبده، رشیدرضا و شلتوت پیوسته از منادیان فتح باب اجتهاد بودند تا آنجا که شیخ سیوطی در ردّ قائلین به سدّ باب اجتهاد، کتاب ارزشمند خود را با این عنوان نوشت: (الرّدُّ علی من أخلد إلى الأرض و جهل أن الإجتهد فی کل عصر فرض). امام شافعی رحمه الله با بیان (إذا صحّ الحدیث فهو مذهبی)، قلم صحت بر فتح باب اجتهاد در هر عصری نهاد. ابن صلاح شهرزوری در کتاب «التحفا» و امام نووی در آغاز «شرح المهدّب» و ابن حاجب در «مختصر منتهی» با اختلاف الفاظ چنین عبارتی را بیان داشته‌اند: (لا يجوز عقلاً خلؤ العصر عن مجتهد لأن الإجتهد فرض کفاية و الخلو عنه يستلزم اتفاق الأمة علی الباطل). و پیش‌نیاز اجتهاد پویا، اصول فقه معاصر است.

استاد دکتر قرضاوی در کتاب «الإجتهد فی الشریعة الإسلامیة» و کتاب «فقه الزکاة» می‌گوید: (من با کسانی که بر روی مسائل قدیمی تعصب خشک و خالی دارند و گمان می‌برند که هیچ امامی بعد از ائمه‌ی اربعه و هیچ اجتهادی بعد از قرون اولیه و هیچ علمی به جز آنچه در کتب پیشینیان است، وجود ندارد، همراه و همگام نیستم و رنگ زرد کتاب‌های قدیمی و کثرت چاپ آنها مانع نمی‌شود که غواص آسا به قعر دریای پژوهش نروم و بدون تعصب به استخراج مروارید احکام نپردازم: «کلُّ أحدٍ یؤخذ من کلامه و یردّ إلا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم»).

البته نباید فراموش کرد که تواناسازی فقه و دستگاه استنباط برای حضور در عرصه‌ی زندگی پیچیده‌ی امروز، کار حساس، ظریف و پرمخاطره‌ای است، لذا باید با بصیرتی برخاسته از احاطه بر تمام جوانب فقه و انگیزه‌های خالص به پیش رفت و از روی فهم به مقاصد تشریح و روح دین، مذاق شریعت را چشید و با تکیه بر میراث پرمایه‌ی هزار ساله‌ی فقه و شریعت، به کار بازنگری و بازسازی آن پرداخت.

کم نبودند دین‌باوران مخلص و مجاهدانی که با ایستادگی در برابر جمود و واپس‌گرایی در جهت احیای دین کمر همّت بستند و با خرافه‌ها و عادت‌های ناروا و بینش‌های تنگی که شریعت را از حیات و کارآیی می‌انداخت، به جنگ برخاستند؛ اگرچه بعضاً به جرم دفاع از حق و شریعت مورد تفسیق و تکفیر دنیاخواهان و جاهلان هتاک قرار گرفتند.

در حوزه‌ی تفکر اسلامی دو آفت خانمان‌سوز وجود داشته و دارد؛ یکی تأویل و التقاط و دیگری جمود و تحجر. وجه مشترک این دو آفت آن است که هر دو از وحی الهی به نفع برداشت‌های محدود و اهوای بشری اظهار نظر می‌کنند؛ یکی چنان میدان را باز می‌کند که مرزهای احکام و ارزش‌های الهی را می‌شکند و حرام‌های خدا را حلال می‌گرداند و دیگری به تناسب بینش محدودی که دارد، چندان عرصه را تنگ می‌گیرد که بسیاری از حلال‌های خدا را حرام و حرام‌های خدا را حلال می‌پندارد و نتیجه‌ی هر دو جریان در راستای تضعیف دین قرار خواهند گرفت.

اسلام مقررات خود را به دو قسم متمایز و جدا از هم تقسیم می‌نماید: مقررات ثابت و مقررات متغیر.

### نکاتی در رابطه با ترجمه کتاب

بعضی از دوستان دانشگاهی و حوزوی از حقیر با قلم ننگ‌نسته و بضاعت اندک، درخواست ترجمه و تحقیق کتاب را نمودند که نسبت به افاده‌ی کتاب و اسلوب جدید آن، ردّ درخواست از ما متعذّر گشت و مضافاً مواردی مرا به ترجمه و پژوهش در آن واداشت که از آن جمله است:

۱- کتاب بسیار ارزنده و در نوع خود نایاب و به‌روز بود به دلیل اینکه در تطبیق و مصادیق، مثالهایی از قوانین وضعی برای قواعد اصولی متعلق به تفسیر نصوص را دربر دارد، زیرا این قواعد اصولی، موازینی برای فهم عبارات عربی و صحت تفسیر آنها و فهم مراد آنها است.

۲- ترجمه حدوسط میان ترجمه لفظی و آزاد است. ضمن اینکه کاملاً کوشش شده که مقصود نویسنده ادا و امانت ترجمه رعایت گردد ولی در بعضی موارد به منظور توضیح، تعلیل و استنتاج مطالب از جانب مترجم میان دو پراتز و یا آکولاد سطوری و یا جملاتی بر متن کتاب افزوده شده است و شاید نزدیک به یک پنجم کتاب از اضافات مترجم باشد که ضرورت موضوع آن را ایجاب می‌کرده است.

بدیهی است ترجمه‌ی این کتاب تخصصی و فنی که در موضوع خود بسیار دقیق و ظریف است نمی‌تواند از کاستی و نقصان بری باشد فلذا از عموم سروران دانشگاهی و حوزوی انتظار

می‌رود که در اشتباه عارضی به دیده‌ی اغماض ننگرند بلکه اطلاع دهند تا اگر حسن ظنّ دانش‌پژوهان نسبت به این اثر، تجدید چاپ آن را اقتضا نماید در چاپ‌های بعد نسبت به تکمیل و تنقیح آن دست یازیم.

در پایان مترجم بر خود لازم می‌داند کمال تشکر و امتنان خویش را به مدیریت نشر احسان که از بدو تأسیس تاکنون خدمت به اهداف و مقاصد اسلام را شعار و دثار خود ساخته و رعایت امانت و تزیین چاپ کتب را وجهه همت خویش قرار داده‌اند، عرضه بدارم. به‌ویژه از سرکار خانم مریم یعقوبی که در تنظیم و تبویب کتاب از هیچ کوششی دریغ نورزیدند سپاسگزارم و امیدوارم که خداوند توفیق خدمت به فرهنگ اسلامی را رفیق ایشان گرداند.

احمد نعمتی - ۱۳۹۰/۱۲/۱۳